

## فهم تاریخی جایگاه زنان دربار تیموری از سفرنامه کلاویخو

لیلا محمدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

### چکیده

یکی از منابع مهم برای شناخت تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه، سفرنامه‌ها هستند و از جمله مسائل مورد توجه سفرنامه نویسان، بررسی روابط اجتماعی در درون جامعه است که فارغ از جهت گیری‌های زنانه و مردانه، تصویری از تجربه‌ها و متن زندگی روزمره زنان، که بیشتر منابع و متون به آن پرداخته‌اند را فراهم می‌سازد. از این نظر، سفرنامه‌هایی که از دوره تیموری برجای مانده‌اند اطلاعات مهمی در ارتباط با تاریخ اجتماعی و به ویژه از زنان حرمسرا در این دوره ارائه می‌دهند. در واقع هدف از این تحقیق بررسی وضعیت اجتماعی زنان خاندان تیموری با تکیه بر سفرنامه کلاویخو است، و به دنبال آن است تا فهم و تصویری از جایگاه اجتماعی زنان دربار عصر تیموری و ملاحظات و شرایط تاثیر گذار بر آن را داشته باشد. سوال اصلی تحقیق این است که وضعیت اجتماعی زنان خاندان تیموری چگونه بوده است؟ این مقاله پژوهشی توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

**کلیدواژه‌ها:** کلاویخو، تیموریان، زنان، ازدواج، پوشش، اقتصاد

---

<sup>۱</sup> استادیار، گروه تاریخ، واحد ایهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایهر، ایران (mohammadi\_52\_history@yahoo.com)

## مقدمه

منظور از فهم تاریخی، روشن ساختن معنای ذهنی منسجمی از آن چیزی است که در گذشته اتفاق افتاده است. فهم تاریخی به محقق این امکان را می دهد تا جزئیات مغفول تاریخی را در ذهن تصویر سازی کرده و حقایقی را که منابع تاریخی به آن اشاره نموده اند را کنار یکدیگر قرار دهد. (Budd, 2009, 514) تحلیل تجربه تاریخی جایگاه زنان دربار عصر تیموری کمک می کند تا ضمن شناسایی تحولات و تغییرات و تداوم ها، زمینه های مشترک و متفاوت آن را با تحولات تاریخی جایگاه زنان پیش از آن شناسایی کرده و گزاره های تاثیرگذار در برخی زمینه ها و شرایط مانند نقش زنان درباری در اتحاد، مشارکت و ملاحظات سیاسی و شرایط اجتماعی آنان را مورد بررسی قرار دهیم. البته ضعف سنت تاریخ نگاری در حوزه نقش زنان در طول تاریخ و کمبود منابع ادعای ارائه تحلیلی سیستماتیک در این خصوص را غیر قابل طرح می سازد.

بنابراین، با توجه به قدمتی که سفرنامه نویسی در تاریخ ایران دارد زمینه ها و انگیزه های متنوعی که در رشد تداوم سنت سفرنامه نویسی تاثیرگذار بوده را می توان سراغ گرفت. تاملی در این آثار به جای مانده از نویسندگان غربی در سفر به ایران نشان می دهد که آنها برای مستند کردن حوادث دولت ها، اوضاع اجتماعی و فرهنگ ها دست به ثبت و ضبط وقایع پرداخته اند که تیز بینی، دقت و علاقه و تعهد شخصی امکان مناسبی برای شرح و توصیف وضعیت اجتماعی و فرهنگ ایران را فراهم ساخته است. از این نظر، سفرنامه کلاویخو یکی از پر بارترین سفرنامه های سیاسی در دوره تیموری است. کلاویخو که با عنوان سفیر یا ایلچی اسپانیا برای انجام مأموریت ویژه به ایران آمده بود، وظیفه داشت گزارش دقیق و نتیجه مأموریت و مشروح مذاکرات سیاسی خود را پس از بازگشت به پادشاه کاستیل ارائه دهد. و چون این هیأت سیاسی به عنوان میهمان مستقیم تیمورگورکان در دربار مورد پذیرایی قرار می گرفتند شاهد آداب و رسوم دربار، تشریفات رایج در آن، آداب پذیرفتن سفیر، آداب مهمانیها در مجالس اشرافی، وضع زنان اشراف و موضوعاتی از این گونه بودند که از جهاتی مغتنم و قابل توجه و قابل ملاحظه اند. در بین سفر، کلاویخو و همراهانش از مسیرهایی که عبور میکردند، گزارشهایی از قبیل: آداب و رسوم، معتقدات و فرهنگ عامه، خرافات رایج در شهرها و روستاها، عجایب و غرایب، آداب مهمانی و تشریفات، مراسم سوگ و سور، توصیف راهها و بناهای مسیر مسافرت، ذکر نرخ اجناس، دشواریهای سفر، وضع راهها و منزلگاههای بین راه و چگونگی تأمین امنیت راهها، وسایل رفت و آمد، نحوه اداره شهرها، روابط اجتماعی بین مردم، وضع خوراک و پوشاک، توصیف اوضاع فرهنگی و نحوه آموزش و پرورش و وضعیت اجتماعی زنان را ارائه نموده اند. از این

رو، این مقاله با سوال اصلی: وضعیت اجتماعی زنان خاندان تیموری چگونه بوده است؟ روبرو می باشد. بر این اساس می توان فرضیه ذیل را مطرح نمود که: وضعیت اجتماعی زنان خاندان تیموری در زمینه های: اقتصادی، فرهنگی و آداب و رسوم تحت تاثیر سنتهای قبیله ای و ایدئولوژی اسلام قرار گرفته و در امور مذکور نقش فعالی داشتند.

بنابراین، این پژوهش با تکیه بر اطلاعات سفرنامه کلاویخو، محورهایی نظیر نوع پوشش و لباس، سرگرمی ها و فعالیت های اقتصادی، مراسم ازدواج زنان درباری را مورد بررسی قرار می دهد. پژوهش پیش رو با بهره گیری از روش توصیفی و تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و مراجعه به منابع مکتوب و عکس برداری از کتب و سایت های اینترنتی صورت پذیرفته است.

### پیشینه تحقیق

سفرنامه کلاویخو بارها از جنبه های مختلف بررسی و پژوهش های بسیاری درباره آن انجام گرفته است. پایان نامه رضا بیطرفان با عنوان بازیابی فرهنگ عامه در قلمرو مسلمانان با تاکید بر مشاهدات سفرنامه نویسان ۶۱۶ تا ۹۰۷ ه.ق توصیف گر سرگذشت نامه های فردی، سفر نامه ها، اوضاع اجتماعی و ساختار فرهنگی و اقتصادی است که قسمتی از این پایان نامه به سفرنامه کلاویخو می پردازد.

جوادی (۱۳۵۲)، در مقاله ایران از نظر سیاحان اروپایی عصر تیموری، ضمن بررسی گزارش های سفیرانی چون شیلتبرگر و مانیانلی که بنحوی شاهد وقایع دوره تیموری بودند به معرفی و بررسی سفرنامه کلاویخو و اهمیت آن در ابعاد گوناگون اشاره می کند.

کرن (۱۳۵۴)، در مقاله سفیران اسپانیا در دربار امیر تیمور به معرفی سفرنامه کلاویخو پرداخته و اوضاع سیاسی و اجتماعی و معماری و وضعیت همسران تیمور را در دربار مورد بررسی قرار می دهد.

اسماعیل پور (۱۳۸۴)، در مقاله پیشینه آشنایی و تاثیرات متقابل ایران و اسپانیاضمن بررسی پیشینه روابط ایران و اسپانیا از ابتدا بیان می دارد که کلاویخو تا چه حد مسایل اداری و سیاسی و اجتماعی را به خوبی دریافت کرده و به رشته تحریر در آورده است و اهمیت این سفر نامه را بیان می دارد.

سراوانی (۱۳۹۵)، در مقاله بررسی پرچم ایران در دوره فرمانروایی تیمور گورکانی به بررسی تاریخ پرچم ایران از نگاه کلاویخو اشاره دارد.

مقدم (۱۳۹۵)، در مقاله تحلیلی بر مناسبات تیمور گورکانی با اروپا به اساس و اهداف شکل گیری مناسبات امیر تیمور با اروپائیان می پردازد. و اوضاع سیاسی و نظامی تیمور را با تکیه بر سفرنامه کلاویخو تشریح می نماید.

کشاوری (۱۳۹۶)، در مقاله سیر و سفر در تاریخ و معرفی سفرنامه کلاویخو به تطبیق نوشته های کلاویخو با واقعیت های موجود در آن زمان می پردازد و به بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی عصر تیموری در این سفرنامه اشاره دارد.

اکثر پژوهش ها به طور پراکنده در خصوص محتویات سفرنامه کلاویخو از جنبه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، می باشد و پژوهشی مستقل درباره بررسی اوضاع اجتماعی زنان خاندان تیموری انجام نگرفته است.

### نگاهی کلی به سفرنامه کلاویخو و انگیزه سفر او به ایران

روی گونزالس دو کلاویخو<sup>۱</sup> سفیر اسپانیایی از طرف پادشاه اسپانیا هانری سوم در روز دوشنبه بیست و یکم ماه می سال ۱۴۰۳ م. / ۸۰۶ ه.ق سفر خود را همراه همسرانش از بندر سانتاماریا شروع کردند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۴۲) هیئت اسپانیایی سه نفر بودند: یکی رئیس تشریفات پادشاه اسپانیا که همان کلاویخو بود؛ دیگری یک کشیش به نام آلفونسو پانز و سومی یک صاحب منصب از پاسداران سلطنت به نام گومز سالازار<sup>۲</sup> بود همراه با مقدار زیادی هدیه و پیشکش از آن جمله یک قفس محتوی یک شاهین یا باز که اسپانیا در آن زمان به داشتن آن معروف بود (همان: ۱۲).

کلاویخو برای ملاقات با تیمور که آوازه فتوحات وی اروپا را پر کرده بود به سمرقند و دیدار وی رفت این دیدار در حقیقت آغاز روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران و اسپانیا و به مثابه نخستین مکاتبه رسمی میان دو کشور باز می گردد. کلاویخو از شهرها و مناطق ایران از قبیل: خوی، تبریز، زنجان، سلطانیه، دامنه ی جنوبی البرز، دره لاردرد جنوب دماوند، جاده فیروزکوه، مشهد، جاجرم، بلخ، بخارا، ترمذ، کش و سمرقند می گذرد. کلاویخو توصیفات بسیار دقیق از این مناطق و وضعیت آنها را در سفرنامه ای شرح می دهد (کشاوری، ۱۳۹۶: ۵۶). این هیئت نمایندگی اسپانیا یکصد هفته را در سفر دریا و خشکی از اسپانیا تا سمرقند و بالعکس گذراندند (اسماعیل پور، ۶۱). سفرای اسپانیا پس از هفته ها

1- Ruy Gonzalez de Clavijo

2- Alfonso Paez

3- Gomez de Salazar

دریانوردی در ۲۲ مارس ۱۴۰۶ بعد از سه سال دوری به کشور خویش می‌رسند. کلاویخو خوانسالار پادشاه کاستیل می‌شود و تا مرگ او در ۱۴۰۷ م در این سمت باقی می‌ماند و پنج سال بعد خودش نیز بدرود حیات می‌گردد. سفرنامه کلاویخو که با دقت زیاد و به صورت خاطرات روزانه نوشته شده در ۱۵۸۲ م/۹۹۲ هـ به چاپ می‌رسد که یکی از قدیمی‌ترین سفرنامه‌های زبان اسپانیولی است. کلاویخو که مردی هوشمند و موشکاف بوده از حاصل مشاهدات خود اثری فراهم آورده است که در میان سفرنامه‌های این دوره کمتر نظیری برایش می‌توان پیدا کرد (جوادی، ۱۳۵۲: ۱۷۱). کلاویخو سفرنامه خویش را اندکی پس از سال ۱۴۰۶ م. نوشت در آن هنگام تا زمان اختراع صنعت چاپ پنجاه سال مانده بود. کتاب وی چندان جالب و جذاب بود که نسخه نویسان آن زمان رو نوشته‌های زیادی از آن نوشتند و این نسخه‌ها در میان عامه مردم دستداران فراوانی یافت (اسماعیل پور، ۱۳۸۴: ۶۱)

### حرمسرا و بانوان دربار تیمور

کلاویخو در سفرنامه خود تیمور و مردمش را چادرنشین معرفی کرده که خانه‌ای دائمی ندارند و زمستان و تابستان را در هوای آزاد به سر می‌برند. از اردوگاهی به اردوگاه دیگر می‌روند و چون از دشمنان هراسی ندارند دیگر مجبور نیستند برای تأمین امنیت و سلامت خویش با هم کوچ کنند، وی می‌نویسد: تیمور با خدمتکاران و بزرگان و زن‌ها و کنیزان خویش جداگانه کوچ می‌کرد و وقتی برای جنگ همه را فرا می‌خواند همه جمع شده و وی را همراهی می‌کردند حتی گله‌ها و احشام و دارایی و زن و فرزندانش را همراه خود می‌آوردند و زنان، سپاه را همراهی نموده گله‌ها را به مصرف خوراک سپاهیان می‌رساندند (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۱۹۷).

همراه بودن زنان در جنگ‌ها مابین قبایل ترک و مغولی رایج بود که سخنان کلاویخو نشان می‌دهد این رسم در دوره تیموری همچنان ادامه داشت. بنابراین، درحالی‌که تیمور به سرزمینهای دور دست چون سوریه، هند و چین داشت اکثر سپاهیان تیمور زنان و همسرانشان را با خود به جنگ می‌بردند درحمله به شام و دمشق تیمور به همه سپاهیان فرمان داد که زن و بچه خویش را با خود به جنگ بیاورند (همان: ۲۸۷).

کلاویخو نحوه حضور زنان را در جنگ چنین بیان کرده است: گاهی زنان درلباس مردان به جنگ با دشمن می‌رفتند. هنگامیکه تیمور با توقتمش<sup>۱</sup> درحال جنگ بود به دلیل جدا شدن گروه‌های

<sup>۱</sup> - به گفته کلاویخو، وی خان قبیله زرین از تاتارها و مقتدرترین و خطرناکترین دشمن تیمور بود (کلاویخو، ۲۹۲-۲۹۴).

سپاهیان تیمور از هم، فرمان دادتا برای بیشتر نشان داده شدن سربازانش همه زندهایی که با سربازان آمده بودند لباس مردان را بر تن نموده و کلاه خود بر سر بگذارند، تا تصور شود که سربازان مرد هستند. سپس تیمور با مردان خود از اردوگاه خارج شده و اردوگاه و اسیران و افراد دیگر را به زنان سپردند. پیروزی در این جنگ برای تیمور بسیار مهم بود، وی آن را یکی از مهمترین فتوحات خود به شمار می آورد (همان: ۲۹۲-۲۹۴). به نظرمی رسد سپردن اردوگاه به زنان جنگجو بدون حضور زنان درباری نبوده زیرا فرمانبرداری از یک زن در هر طبقه ممکن نمی شد. از سویی دیگر، تیمور برای کسب مشروعیت و استفاده از نیروی مغولان به خویشاوندی با آنان بیش از هر چیزی اهمیت می داد، زیرا یکی از رسوم ازدواج در میان مغولان، سنت دامادی و زندگی به همراه خانواده عروس بود که نشانه ای از شیوه مادرتباری در میان آنان محسوب می شد. پیوند های ازدواج درخاندان تیموری موجب مستحکمتر شدن و مشروعیت بخشی روابط سیاسی بین تیمور و متحدانش می گردید. و این پیوند درون خانوادگی رسمی مشترک میان قبایل ترک-مغولی بود

از این نظر، کلاویخو در گزارشات خود به این ازدواج های تیمور اشاره می نماید. تیمور به دنبال کسب قدرت و مشروعیت بخشیدن خود در میان قبایل الوس جغتایی بود بنابر این بعد از کشتن امیر حسین قزغنی، برای افزایش وجهه خویش و پیروزی بر امیران قبیله و برای جلب متحدان ناآرام، زنان حرمسرای امیرحسین را تقسیم نمود. وبا سرای ملک خانم دخترجغتایی فرمانروای سمرقند، ایران تا دمشق و مشهور به غازان خان ازدواج کرد. که موجب پیوندتیمور با سلسله جغتایی گردید (همان، ۲۶۰). از این لحاظ، خط مشی تیمور در پیوند های ازدواج از نظر سیاسی نه تنها اتحاد و وفاداری بلکه از بین بردن خطر رقبا بود و نیز دخترش سلطان بخت بیگم با امیرسلیمانشاه امیر قدرتمند تیمور ازدواج کرد (همان: ۱۷۷ و ۳۲۰)

از این رو، پس از تشکیل حکومت، تیمورگورکان و سلاطین تیموری به پیروی از سنن ترک - مغولی همسران متعددی را اختیار کردند. کلاویخو جایگاه و رتبه زنان را به ترتیب، که نشانه احترام و تکریم به آنها و یکی دیگر از سنت و آداب ایلی مغولان بود را در مراسم جشنی که توسط تیمور برگزار شده بود، چنین توصیف می کند:

«...نام زنهای اعلیحضرت چنین است؛ زن بزرگ او...بنام خانم شناخته میشود که این بمفهوم ملکه یا خانم بزرگ است. وی دختر (جغتای) صاحب سابق سمرقندست. ازین گذشته پدر وی فرمانروای

<sup>۱</sup> - برخی نویسندگان معتقدند با این ازدواج تیمور لقب گورکان گرفت.

همه سرزمین ایران بود و قلمرو او تا دمشق می رسید. نام او غازان خان بود. او از مادر دودمان شاهان بود. اما پدر وی هرگز شناخته نشده است. فرماندهی بسیار دلیر بود که در جنگهای بسیار فاتح شده است و فرمانها و قوانینی رواج داده است که هنوز هم در سراسر قلمرو تیمور رایج است. زن دوم تیمور چنانکه گفته شد خانم کوچک نام دارد. وی دختر شاهی است بنام تومان آقا. این مرد بر سرزمینی بنام اندرایه حکومت میکرد. زن سوم او تکه خانم نامیده می شود و زن چهارم چلیان ملک آغا وزن پنجشم موندساغا (خانم) و دوزن دیگرش یکی ونگراغا (خانم) و دیگری (روپه ریراغه) (خانم) نام دارند. زن هشتمین یا آخرین زن وی (یواگااغا) نام دارد که بزبان آنان ملکه دلهامعنی می دهد. تیمور اخیرا با او عروسی کرده است یعنی در همین ماه اوت که تازه بپایان رسیده است و این لقب را نیز تیمور باو داده...» (همان: ۲۶۱).

کلاویخو در جایی دیگر آورده است: «آنگاه (تیمور) به سمرقند بازگشت و شهر را مسخر ساخت و زن سلطان سابق را به همسری گرفت و هنوز هم او زن تیمور است و بنام خانم بزرگ که لقبی است به معنی ملکه بزرگ یا امپراطوریس بزرگ نامیده میشود» (همان: ۲۱۷ و ۲۴۳) در قسمت دیگر از سفرنامه از وی «بی بی خانم» هم یاد کرده اند (همان: ۳۷). تیمورلنگ با اینکه روحیه ی جنگجو و مقتدرانه داشت اما همسران و بانوان در نزدش از منزلت و جایگاه خاصی برخوردار بودند. بنابراین، فعالیت های خانزاده همسر شاهزاده میرانشاه از دیدگان کلاویخو پنهان نمانده است، وی در این باره می نویسد:

انتخاب میرانشاه بعنوان حاکم غرب ایران در سال ۷۹۸ هـ ق/ ۱۳۹۶ م. موجب گردید تاخانزاده از دربار دور شود، ولی این دوری وی را از حضور و فعالیت دربار تیمور بازداشت وهمچنان وظایفی را که به عهده وی بود، انجام می داد. حتی هنگامی که بین خانزاده و همسرش اختلاف پیش آمده بود مناصب خود را در دربار سمرقند حفظ کرده بود. کدورت بین خانزاده وهمسرش میرانشاه به دلیل اتهامات وارده بر وی مبنی بر روابط غیر اخلاقی، پیش آمده بود که منجر به پناه بردن خانزاده نزد تیمور گردید. او عملکردهای همسرش را در کوتاهی از انجام وظایفش و به تمسخر گرفتن اوامر تیمور و ترتیب دادن توطئه ای بر علیه تیمور به وی گزارش نمود. محکوم سازی میرانشاه توسط خانزاده

۱ - از زنان با نفوذ و سیاست مدار دیگر عصر تیمور که موقعیت ویژه زنان چنگیزی را در نزد تیمور داشت، سوین بیگ دختر آق صوفی مشهور به خانزاده بود وی از طریق مادرش شکر بیگ نسبش به جوجی می رسید او به نوبت با پسران تیمور جهانگیر (۷۷۷ هـ ق/ ۱۳۷۶ م) و میرانشاه ازدواج ک (یزدی، ج ۱: ۴۳۶-۴۲۹)

باعث گردید تا تیمور پس از تحقیق درباره سخنان او با سپاهیان خود به سمت میرانشاه حرکت کرده و وی را از مناصبش عزل نماید و بسیاری از درباریان را اعدام نماید (همان: ۱۷۱).

«...تیمور کار او (میرانشاه) را فیصله داد و از عروسش با کمال احترام پذیرایی کرد، چنانکه هرگز خانزاده بیگم به نزد شوهر خویش باز نگشت...» (همان: ۱۷۲).

کلاویخودر جایی دیگر به حکمرانی یک زن در محلی به نام «سالوگرسوخسه» ما بین نیشابور تا جیحون اشاره می نماید که توسط تیمور گورکان به سمت گماشته شده بود:

«شنبه شب که مصادف با نهم اوت در محلی به نام سالوگرسوخسه ناهار ماندیم. این آبادی از آن کشیش (یا روحانی مسلمانی) بود که میتوان گفت به منزله اسقف (مسلمانی) (در میان تاتار) بود... درین حدود جمعیت بسیار است و همه این دره بیشه است و موستانهای خوب دارد. آن روحانی (مسلمان) که صاحب این آبادی بود، اخیرا در گذشته بود و دو پسر بجای گذاشته. تیمور که ده روز پیش درین حدود از آنجا گذشته بود نسبت باین جوانان اظهار علاقه کرده و آنانرا در پناه خویش گرفته وبا خود به سمرقند برده است... و صاحب کنونی این آبادی زن بیوه او یعنی مادر این جوانان است. وی از ما با احترام و اعزاز پذیرایی کرد و دستور داد که آنچه از خوراک و وسایل آسایش مورد نیاز ما باشد بما داده شود. و نیز این خانم برای صرف ناهار به نزد ما آمد. همان شب کمی که از شب گذشت براه افتادیم...» (همان، ۲۰۰) این مسئله نشان می دهد تیمور تا چه حد برای زنان ارزش و اعتبار قائل بوده وبا اعتمادی که به آنها داشته، برحسب توانائی ایشان اداره امور را به آنان می سپرده است.

کلاویخو که به هنگام مرگ تیمور در راه بازگشت به اسپانیا بوده، ستیزه های شاهزادگان تیموری را درغرب از نزدیک دید، و به تمایل و تلاشهای خانزاده (عروس تیمور) برای بر تخت نشاندن پسرش خلیل سلطان اشاره کرده است (همان، ۳۱۸). همچنین به درگیری عمرمیرزا پسر میرانشاه با پدر و برادرش ابابکر اشاره نموده و می آورد؛ که عمر میرزا درصدد برکنار کردن آن دو از قدرت بود، ولی مادرش اُرون سلطان خانیکه<sup>۱</sup> که رهسپار اردوی عمرمیرزا شده بود او را به سبب مخالفت با پدر و برادرش سرزنش نمود و پس از دو نوبت مذاکره طولانی، طرفین را به صلح و سازش راضی ساخت (همان: ۳۲۱-۳۱۹). با توجه به آنچه که کلاویخو از موقعیت و جایگاه سیاسی زنان را اشاره نمود، می

<sup>۱</sup> - او دختر سیورغتمش خان مغول (معزالانساب، بی تا: b124) خان دست نشاندۀ تیمور و همسر میرانشاه و مادر عمر میرزا (۸۰۷ هـ ق) و ابابکر (۸۱۱ هـ ق) بود (کلاویخو، ۳۲۸-۳۱۳).



توان اذعان داشت، تحکیم قدرت سیاسی زن نقش مهمی در ثبات جایگاه اجتماعی وی داشته و نفوذش در دربار و جامعه آن روز را دو چندان می نمود.

### مراسم جشن و سرور در دربار تیمور

زنان حرمسرای تیمور همچنان تابع عادات و آداب رفتار زنان مغول بودند و به شیوه و رفتار زنان مسلمان عمل نمی کردند. مارکوپولودر باره نحوه حضور زنان مغولی در مراسم جشن می نویسد: زنان در مجالس مختلف شرکت کرده و پا به پای مردان به خوشگذرانی مشغول می شدند بدون آنکه خود را پشت پرده و یا به دور از چشم مردان پنهان کنند (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۱۳۵-۱۳۴) کلاویخو که شاهد جشن های سمرقند در سال ۸۰۶ هـ ق/ ۱۴۰۴ م. بود، می نویسد: در حالیکه وی به همراه تیمور و همراهانش در سراپرده بزرگ به تماشای نمایش ها نشستند بودند. خانمها وارد چادر تیمور شدند، چون همه خانمها بر جای خویش نشستند همه چیز مرتب شد، میگساری آغاز گشت. و تا مدت مدیدی همچنان ادامه یافت. از آغاز کار به زندهای اعلیحضرت شراب داده شد و سپس به اجرای نمایش با فیلهها، اسبها و پایکوبی پرداختند و تیمور و زنانش به باده گساری سرگرم شدند. همه خانمهای درباری و بزرگان که بیرون چادر بودند با غذاهای متنوع پذیرایی می شدند. و چون شب عروسی نوبت تیمور با دختری از خویشان تیمور بود این سور تا بامداد ادامه پیدا کرد (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۶۶-۲۵۷).

طبق گفته کلاویخو به نظر می رسد، حضور همه زنان در مراسم جشن درباری چه زنان عقدی، و چه غیر عقدی و یا محافظان زن، مشخص کننده موقعیت اجتماعی آنان می باشد و وقایع چنین القاء می کنند که حضور این زنان در مراسم آنقدر اهمیت داشت که جای مخصوص به ایشان از پیش آماده می شد و بدون حضور آنان جشن رسماً آغاز نمی گردید. مردان به همراه زنان، جشن و میگساری خود را آغاز و به پایان می بردند.

کلاویخو به برگزاری جشن ها و طوی های پادشاهانه توسط خاتون ها همراه با آوازهای دلپذیر و خوش الحان و عیش و نوش اشاره می کند می نویسد: خاندان همسر میرانشاه در جشن بزرگی که بر پا کرد کلاویخو و همراهانش را به جشن دعوت نمود. پس از حضور این سفیر اسپانیایی در سراپرده ملکه، وی در شاه نشینی که برابر شاه نشین خاندان بود، نشست. کلاویخو می گوید: در چادر خاندان خانم به همراه گروهی از بانوانی که ملازم وی بودند و تعدادی از خویشاوندان، چند مرد دیگر نشسته بودند، و گروهی سرودخوان با خوانندگی و نوازندگی مجلس را گرم می کردند، همه حاضرین شراب به دست بودند. خاندان این بزم را به افتخار عروسی یکی از خویشاوندان خود برپا کرده بود (همان: ۲۴۶)

— (۲۴۵) به این ترتیب، برگزارکنندگان این جشنها اکثراً زنان بودند به ویژه زنانی که به تیمور یا حکومتگران تیموری نزدیک بودند.

### پوشاک و ظواهر زنان خاندان تیموری

این بطوطه درباره پوشش زنان مغول آورده است: با وجود مسلمان شدن مغولان، زنان ترک و مغول که برطبق قوانین اسلامی ملزم به رعایت این قوانین بودند، ولی به لحاظ پوشش مانند زنان مسلمان ایرانی رفتار نمی کردند و معمولاً با روی باز و بدون نقاب درملاً عام ظاهر می شدند (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۳۳۰). زنان درباری تیموری نیز متأثر از دوره قبل از خود یعنی مغولان بودند. گزارش کلاویخو از دربار تیمور، از بانوانی می گوید که در حفظ سنت مغولی که همان پوشش قرمز به عنوان رنگی فرخنده و مبارک بود، می کوشیدند. همچنین آنها به پوشش بقتاج تمایل داشتند. کلاویخو پوشش زنان درباری را چنین توصیف می نماید: «سبک لباس خانم بزرگ زن تیمور این گونه بود که جامه روی او از پرند سرخ زر دوزی شده، بسیار گشاد، با دامنی بلند که بر روی زمین کشیده می شد. این لباس بی آستین بود و تنها روزنه ای داشت که سرش را از آن بیرون کرده بود و نیز دو سوراخ که از آنها بازوانش بیرون می آمد یقه پیراهن تا بالا بسته بود دامن پیراهن پهن و عریض بود و دنباله آن را ملازمانش می کشیدند تا خانم بزرگ بتواند راه برود، وی بر چهره نقابی نازک و سفید داشت...» (کلاویخو، ۱۳۴۴: ۲۵۸). ودر ادامه پوشش سر زنان درباری را چنین شرح میدهد:

«...خانم بزرگ یعنی زن بزرگ اعلیحضرت بر چهره نقابی نازک و سفید داشت و بقیه قسمت‌های سرش بسیار مانند بالای کلاهخود بود. از آن گونه خودهایی که ما مردان به هنگام نیزه بازی در میدان می پوشیم. منتها این خود او از پارچه سرخ و دو کنار آن بر روی شانه‌هایش افتاده بود. قسمت پشت خود او بسیار بلند و با مرواریدهای گرد بسیاری که همه از مرواریدهای خوب شرف بودند، آرایش گشته بود و نیز بر آن، سنگ‌های گرانبها، لعل بدخشان و فیروزه با سلیقه‌های بسیار دوخته بودند. لبه‌های این سرپوش با نخ زری، گلدوزی شده بود و بر گرد آن تاج گلی نهاده بودند از زرناب که با مرواریدهای درشت و گوهرهای گرانبها آرایش گشته بود. از این ها گذشته بر نوک این روسری یا خود برجستگی بود که بر آن سه لعل بدخشان که هر یک به درشتی دو بند انگشت بودند و رنگ روشنی داشتند و در نور می درخشیدند، کار گذاشته بودند. بالای آن پر سفیدی به بلندی یک گز گذاشته بودند. این پر، چنان به پایین خم گشته بود که برخی از قسمت‌های آن روی او را تا پایین دیدگانش می پوشاند. این پر با مفتول زرین به هم استوار گشته و در نوک آن دسته ای از پر بود که با مروارید و سنگ‌های گرانبها آراسته شده بود.» (همان، ۲۵۸-۲۵۹)

به توصیف کلاویخو، لباس بانوان در مکان‌های عمومی پارچه‌ی سفیدی بود که سرپای آنها را می‌پوشاند و نقابی از موی اسب بر چهره می‌افکندند تا هیچ کس آنان را نشناسد (همان: ۱۶۲).

از ویژگی‌های دیگر سبک پوشاک زنان دربار تیموری بر اساس رسوم، آرایش وزیبا کردن خود و استفاده زیورآلات متعدد بود. به گفته کلاویخو: «در تبریز در بعضی از کاروانسراها که در آنها وسایل و لوازم آرایش و عطریات زنان فروخته می‌شود زنان به دکانها و حجره های آنان می‌آیند تا از آنها بخرند. زیرا این زنان عطر و روغن بسیار بکار می‌برند» (همان: ۱۶۲). زنان درباری چهره های خود را با سفیدآب یا چیزی مانند آن آرایش می‌کردند چنان که گویی نقاب سفیدی بر چهره زده اند. رسم آنها بود که هنگام خارج شدن از منزل برای محافظت از پوست در مقابل آفتاب از سفید آب بر چهره می‌مالیدند، علاوه بر زنان درباری همه ملازمان زن هم از این ماده به صورت خود می‌مالیدند. در جایی دیگر کلاویخو به موی بلند سیاه زنان و زیبایی خاص آن اشاره کرده، می‌نویسد: زنانی که موی سیاه نداشتند آن را رنگ می‌کردند تا سیاه شود (همان: ۲۶۳).

### فعالیت اقتصادی زنان خاندان تیموری

موقعیت حقوقی و اقتصادی یک زن اساساً مقام اجتماعی او را نشان میدهد. از این رو، برای به دست آوردن دیدگاهی واقعی درباره وضعیت زنان درباری عهد تیموری باید فعالیتهای اقتصادی آنان را تا حدی به تفضیل بررسی کنیم.

در عصر مغول زنان در مورد حقوق مادی و تملک ثروت و املاک می‌توانستند با مردان برابری کنند. به خصوص که در دوران اولیه تکوین حکومت مغول، درگرداندن چرخ های اقتصادی جامعه ایلی نقشی مهمتر و برتر از مردان را به عهده داشته اند (بیانی، ۱۳۵۲: ۹). زندگی زنان در دربار تیمور نیز همانند زندگی زنان مغولی بود، و همان پایگاه را در دربار و نزد مردان داشتند. از این لحاظ، کلاویخو می‌نویسد: تخمین ثروت شخصی بی بی خانم همسر تیمور ممکن نیست، اما وسایل تزئینی، چادر و محوطه مخصوص به وی در اردوگاه تیموری نشان دهنده چشمگیر بودن آن است، کلاویخو مقدار و کیفیت جواهرات همسر اول تیمور چنین توصیف کرده است: «میز کوچکی از زر به بلندی دو بدست [و جب] قرار داشت که با سنگهای زیبا و مروارید آرایش گشته بود بر فراز این میز زمرّد بزرگی بود و طول آن چهار بدست بود و پهنای آن یک بدست و نیم. در کنار میز درخت زربینی بود شبیه به کاج که شاخه های آن به کلفتی ران آدمی بود و شاخه های کوچک از آنها برآست و چپ منشعب گشته بود که بر آنها برگهایی درست مانند برگ کاج ساخته بودند. این درخت به بلندی یک نفر بود و پایین آن

را چنان ساخته بودند که گویی ریشه‌ی آن از ظرف یزرگی که در آنجا بود روئیده است. میوه‌ی این درخت همه از لعل بدخشان و زمرد و فیروزه و یاقوت کبود و یاقوت معمولی به مقدار فراوان و مروارید های گرد درشت شرقی فوق العاده زیبا بسیار بود. این گوهرها را به درخت مزبور نصب کرده بودند و نیز انبوهی از پرندگان کوچک زرین بر روی آن کار گذاشته بودند» (کلاویخو: ۲۶۹). این مسئله نشان دهنده استقلال و قدرت مالی زنان رده بالای تیموری است که با استناد به متون می توان پی به آن برد.

همچنین تیمور برای راحتی و آسایش زنان حرمش اهمیت زیادی قائل بود بنابراین، برای هر یک در خارج از شهر و یا اردوگاهها چادر و اسباب آرامش مورد نیاز را تأمین می نمود، به نظر می رسد همان شیوه و سنت مغولی است که زنان می توانستند جداگانه برای خود چادر داشته باشند. کلاویخو چادرخانم بزرگ را چنین توصیف می نماید: این چادر از بیرون با پرند سرخ پوشیده و پولک طلایی از بالا به پایین آن دوخته شده است. وی به وجود .... و صندوق یا اطاقکی که از طلا ساخته شده و با لعاب و گوهر و مروارید و سنگ های قیمتی تزیین شده... و نیز تختهایی که تشک آن با ابریشم مزین و کف چادر با فرشهای ابریشمی پوشیده شده بود، اشاره می نماید (همان: ۲۶۷).

از سویی دیگر، خانواده سلطنتی نظیر مادر، خواهران، دختران، همسران سلطان از موقعیت و جایگاه اجتماعی خاصی برخوردار بودند و هدیه های که از طرف سلطان مانند اعطای ملک و پول به دست آنان می رسید، این امکان را در اختیار آنان قرار می داد تا در اموراتی همچون ساخت مساجد و کاروانسرا و غیره صرف کنند. کلاویخو آورده است: هر یک از زنان به نسبت مقام و موقعیت خویش از پیشکش هایی که به دربار می رسید سهمی می گرفتند (همان: ۲۲۹).

بی بی خانم (سرای ملک) همسر اول تیمور گورکان هیچ گاه در مقام قدرت سیاسی قرار نگرفت، ولی برخی از منتصبات اعضای خاندان را که به مردان اختصاص داشت دارا بود. کلاویخو می نویسد: بر بالای سر او چتری حمل می شد که در خاندان مغول نشانه احترام به همسران فرمانروایان بود و به همراه زنان رده بالای تیموری از سفرای مرد و زن در مهمانی ها پذیرایی کرده و به آنان ردای افتخار هدیه می داد. نقش دیگر سرای ملک خانم سرپرستی و نگهداری از غنایم جنگی بود که به وی این فرصت رامی داد تا اشیاء دلخواه خود را از میان آنها انتخاب نماید (همان: ۲۶۱-۲۵۸).

از این لحاظ، هنگامی که تیمور شروع به تأسیس مسجد جامع سمرقند نمود، بی بی خانم دستور ساخت مدرسه ای را روبروی مسجد جامع می دهد، که به لحاظ معماری با شکوه تر از مسجد بود

(خواند میر، ۱۳۵۳: ۳ / ۵۴۱). کلاویخو در توضیحات خود، مدرسه بی بی خانم را کاخ می نامد و بیان می - دارد که این کاخ بر خلاف دیگر قصرها دارای ساختمانهای جداگانه بوده و اسباب و اثاثیه اش را تحسین کرده و در عین حال ذکر می کند که ساخت بنا به اتمام نرسیده و کارگران مشغول انجام تزئینات برخی از اتاق ها هستند (همان: ۲۷۷-۲۸۱). توصیف کلاویخو از مدرسه بی بی خانم با عنوان قصر نشان دهنده این است که بنا تا آن زمان کارکرد تعلیمات مذهبی نداشته است. زنان خاندان تیموری علاوه بر املاک و زمینهایی که دریافت می کردند درآمدهای دیگری نیز داشتند که به جایگاه اقتصادی آنها در دربار اشاره می کند. یکی دیگر از راههای کسب درآمد برای بانوان درباری دریافت سهمی جداگانه از غنایم جنگی بود که تیمور با خود به سمرقند می آورد. کلاویخو که از نزدیک خیمه اختصاصی بی بی خانم را مشاهده کرده بود از اسباب و آلاتی سخن می گوید که از سرزمینهای دیگر به سمرقند آورده بودند، وی می نویسد: «چادر دو در داشت که یک در پشت در دیگری قرار داشت. در ورودی چادر بسیار بلند بود چنان که یک سوار با اسب خود می توانست وارد چادر شود، و این دو در با الواح سیمین و زرین آرایش شده بودند. بر یکی از آن دو در شمایل پطرس قدیس رسم شده بود، و بر در دیگر تصویری از پولس رسول، نقش شده بود. تیمور این دو نقش را در خزانه سلطان بایزید یافته و به سمرقند آورده بود» (همان: ۲۶۸).

## نتیجه گیری

از مجموع آنچه که گفته شد در می یابیم که سفرنامه ها بهترین منبع برای شناخت جایگاه اجتماعی بانوان به ویژه در دوره تیموری هستند مرور منابع عصر تیموری نشان می دهد که در این دوره تاریخی تحولی در جایگاه اجتماعی زنان دربار تیموری بر مبنای سنت های قبیله ای و تاثیرپذیری از فرهنگ ایرانی-اسلامی شکل گرفته است که از دیده های کلاویخو نویسنده اسپانیایی سفرنامه پنهان مانده و به ثبت و ضبط آنها پرداخته است. همچنین وی در توصیف ها و تصویر پردازی های دقیق از سرعلاقه به آداب و رسوم و وضعیت زنان در سلسله مراتب اجتماعی و الویت ها و ملاحظات حاکم بر تجربه فراغتی آن هارا مورد توجه قرار داده است. که حاوی نکات کوچک و ارزنده ای می باشد که اغلب این جزئیات را نمی توان در منابع فارسی و عربی عصر تیموری به دست آورد. یافته های پژوهش نشان می دهد عصر حاکمیت تیموریان در ایران مانند دوره ی مغول به لحاظ منزلت، احترام، و موقعیت زنان، به ویژه زنان خاندان حاکمه قابل توجه و تأمل است. جایگاه اجتماعی زنان در این دوره بر مبنای مجموعه ای از سنن و رسوم ایرانی-اسلامی و قبیله ای شکل گرفت و زمینه ای برای شکوفایی زنان شاخص و برجسته در عرصه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی فراهم گردید.

## کتابنامه

ابن بطوطه (۱۳۶۱)، **سفرنامه ابن بطوطه**، ترجمه محمد علی موحد، تهران: علمی و فرهنگی.

بیانی، شیرین (۱۳۵۲)، **زن در ایران عصر مغول**، تهران: دانشگاه تهران.

خواند میر، غیاث الدین ابن هماد الدین حسینی (۱۳۵۳)، **حبیب السیر**، به کوشش محمود سیاقی، تهران: خیام.

کلاویخو، روی گزالو (۱۳۴۴)، **سفرنامه کلاویخو**، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: ۱۳۴۴، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مارکوپولو (۱۳۶۳)، **سفرهای معروف به ایل میلیون**، ترجمه رامین گلبنگ، تهران: گویش.

مجهول المؤلف (بی تا)، **معز الانساب**، نسخه خطی شماره ی ۶۷، کتابخانه ملی پاریس

یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷)، **ظفرنامه**، تصحیح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوائی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

## فهرست مقالات

اسماعیل پور، اکبر، «پیشینه آشنایی و تأثیرات متقابل ایران و اسپانیا»، **تاریخ روابط خارجی**، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، شماره ۲۴ و ۲۵، ص ۴۳ تا ۶۸.

جوادی، حسن، «ایران از نظر سیاحان اروپایی عصر تیموری»، **بررسی های تاریخی**، مرداد و شهریور ۱۳۵۲، شماره ۴۶، ص ۱۵۵ تا ۱۸۶.

سراوانی، فهمیه، «بررسی پرچم ایران در دوره فرمانروایی تیمور گورکانی»، **پژوهش هنر**، بهار ۱۳۹۳، شماره ۵، ص ۸۵ تا ۹۰.

کرن لوسین، «سفیران اسپانیا در دربار امیر تیمور»، مترجم: خراسانی، هادی، **وحید**، تیر ۱۳۵۴، شماره ۱۸۱، ص ۳۷۵ تا ۳۸۳.

کشاوری، محمد طیب، «سیرو سفر در تاریخ و معرفی سفرنامه کلاویخو»، **مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام**، زمستان ۱۳۹۶، دوره دوم، شماره ۴، از ص ۵۲-۵۹.

---

Budd,A. (ed). (2009)The modern historiography reader,wetern sources,London:Routlge.



## Historical Understanding of the Position of Women in the Timurid Court according to Clavijo's Itinerary

Leila Mohammadi

### Abstract

Itineraries are important sources of understanding one society's political, social, economic, and cultural history. The evaluation of social relations in a society is one of the most important issues for itinerary writers; this, apart from gender bias, provides a clear picture of daily lives of women and their experiences that are neglected in most sources and texts. The itineraries from Timurid period provide important information about social history especially about women of harem.

The purpose of this study is to assess social status of women of Timurid dynasty according to Clavijo itinerary. The present study, thus, seeks to understand and visualize the social status, considerations, and conditions of women in the Timurid court. The main question of the present study is: how was the social status of women of Timurid dynasty? This study is a descriptive-analytical one and the data are collected from library sources.

**Keywords:** Clavijo, Clothing, Economy, Marriage, Timurid, Woman